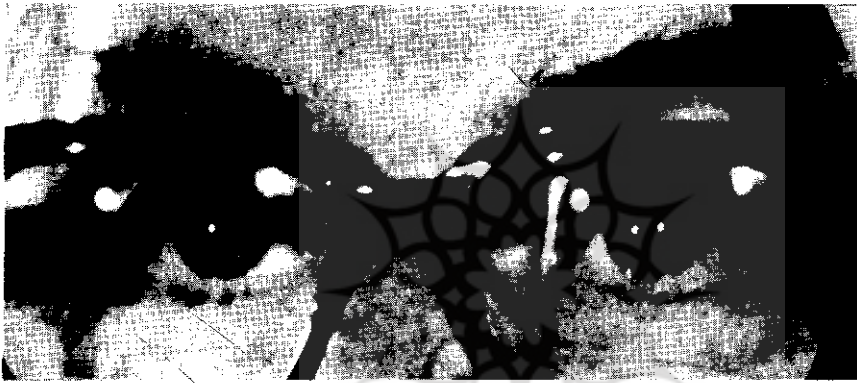


سپری

در تار و پود خنجر خطوط اسامی

خواندن

مبدأ همه آگاهیها



بسمه تعالی ن، وَالْقَلَمِ...

خداوند سبحانه و تعالی در قرآن کریم با سوگند به «قلم» (کتابت) و نوشتن را نیز به موازات دانش و علم اعتبار خاصی بخشیده و در برخی از آیات ضمن اشاره به حروف، قرائت، و کتابت و دانش و دانستن، اهمیت آنرا متذکر شده است که از آن جمله میتوان به آیات زیر اشاره نمود:

۱- ن، وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

سوگند به (ن) که از حروف مقطعه قرآن کریم و رموز آن است و طبق بعضی از تفاسیر نام نور و ناصر حق یا لوح نور خداست.

و سوگند به «قلم» و آنچه که با آن می‌نگارند (می‌نویسند).

۲- إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

«بخوان!» (اولین ایجاد رابطه خدا با انسان در قالب همین تأکید بزرگ است: بخوان! «خواندن» مبداء همه آگاهیه‌ها، دانستن و رشد و تعالی انسان).

«بخوان» بنام خدایت که هستی را آفرید

۳- إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

«بخوان» (آیات قرآن را)، (کتاب هستی را) و بدان که پروردگار تو کریم‌ترین کریمان است.

۴- الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

و اوست که دانش و آگاهیه‌ها را با «قلم» (کتابت) به انسانها آموخت.

«قلم»، حافظ و حصار علوم و اطلاعات بشر که تمام ذخائر فکری و تجارب انسانها را در گنجینه کتاب و دفتر به ثبت می‌رساند و بدون قلم همه دستاوردهای دانش بشری نابود و ناپایدار می‌ماند.

۵- عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

خدائی که آموخت به انسان آنچه را که نمی‌دانست.

۶- وَكُنْتُمْ فِي الْوَالِحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

و نوشتیم در آن لوحه‌ها «حکمت یا فرمان» همه چیز را «که بشر برای رستگارشدن به آن محتاج بود».

۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدْرَأْتُمْ بَدِينِ الْإِلٰهِ

اجلِ مَسْمَىٰ فَآكُتُبُوهُ.

ای مؤمنان هنگامی که وامی بین خود مبادله می‌نمائید تا در موعد مقرر باز پس داده شود آنرا بنویسید «موضوع را ثبت نمائید».

و نیز میتوان از احادیث بسیاری که در خصوص اهمیت خط و کتابت از پیامبر عظیم‌الشان(ص) و ائمه معصومین وارد گشته است بعنوان نمونه ذکر نمود که:

۱- قال رسول الله(ص): قَبِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ
رسول خدا(ص) فرمودند: علم را با نوشتن آن ضبط (حفظ) نمائید.

۲- قال رسول الله(ص): إِنْ مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَىٰ وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَأَنْ تُحَسِّنَ إِسْمَهُ.

رسول خدا(ص) فرمودند: از حقوق فرزند که برعهده پدر او می‌باشد اینست که او را خط و نوشتن بیاموزد و نیز نام نیکویی برایش انتخاب نماید.

۳- قال رسول الله(ص): مِدَادُ الْعُلَمَاءِ أَفْضَلُ مِنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ.

رسول خدا(ص) فرمودند: مداد (قلم) دانشمندان بیش از خون شهدا، ارزش دارد.

۴- قال عليُّ عليه السلام: عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ الْكِتَابَةَ وَالرَّمَايَةَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَرَزْدَانَتَانِ نَوَّشْتَانِ وَتِيرَانْدَاوِي بِيَامُوزِيْدِ.

۵- قال علي عليه السلام:

أَلْخَطُّ الْحَسَنِ يَزِيْدُهُ الْحَقَّ وَوُضُوْحًا

علی علیه السلام فرمودند: خوش خط نوشتن حق مطلب را بیشتر و روشنتر می‌نمایاند.

و با توجه به اینهمه اعتباری که در اسلام به نوشتن و هنر خطاطی داده شده و با اهمیتی که

در خصوص هنر خوش نویسی در طول تاریخ اسلام میان مسلمین متداول بوده است اهمیت خط و خوشنویسی و نیز جایگاه خطاطان و هنرمندان اینرشته در پیشگاه اسلام و مسلمین معلوم میگردد.

زیرا علاوه بر کتابت قرآن و حدیث که از بهترین سنت های رائج بین مسلمانان جهان بوده است دیگر علوم نیز بوسیله خط و خطاطان هنرمند در کتابها به ثبت رسیده و تنها هنر مُسَلَّم و تأیید شده از نظر اسلام که بی تردید از حلیت و مشروعیت برخوردار بوده است هنر خطاطی و خوشنویسی می باشد و علماء و فقها و فلاسفه اسلامی، خود علاوه بر مزیت های علمی و فکری و ورع و تقوا و جهاد و مبارزه، غالباً به خط خوش و چشم نوازشان نیز اشتها داشته و اکثر کتب علمی و فقهی و تفسیر و فلسفه بوسیله خود علماء به تحریر درمیآمده که نمونه های خطی اینگونه کتب از نفایس جهان و اشیاء گرانقدر کتابخانه های بزرگ و موزه های معتبر بحساب میآید.

به گفته ابن خلدون که بعضی از علماء عرفان نسبت به خطوط اسلامی اسرار عظیمی رامترتب بوده اند، و بدلیل خاصیت القائی خط در مسائل عقیدتی، با نوشتن آیات یا احادیث و یا ثبت تاریخ و رویدادها بر دیوار بناها، مدارس، مساجد و قصرها و نیز بر روی وسائل و ظروف و آلات مختلف و نیز منسوجات و قالی که با استفاده از انواع گوناگون هنر خطاطی صورت میگرفت خود بر گستردگی دامنه این هنر می افزود.

چگونگی پیدایش خط عربی:

انتشار اسلام در سرزمینهای مختلف و در میان اقوام و ملل، همراه با انقلاب و دگرگونی اساسی در همه زمینه ها تغییر خط و کتابت را نیز موجب شده و مردم معتقد و گرایشمنند به آئین جدید بزودی در میافتند که برای فراآموختن موضوعات و احکام دین خود می بایست لغت و خط آنرا نیز فرا بگیرند و لذا چند سالی پیش طول نکشید که خط «عربی» جایگزین خط «پهلوی»^۱ در ایران و خط «قوطی» در آندلس و خط «لاتینی» در شمال آفریقا و خط «دیموقبیطی» در مصر گردید و توانست با تغییر حروف، خط مخصوص دین جدید را نیز گسترش دهد.

با اینوصف سوآلی در این جا میتواند مطرح باشد که:

آیا اعراب قبل از اسلام خود جهت کتابت خط مستقلی داشته اند؟

بررسیهای تاریخی نشان میدهد که در شبه جزیره عربستان خط مستقلی وجود نداشته بلکه تعداد محدودی از افراد قبائل عرب با اقتباس از تمدن های دیگر نوعی کتابت داشته اند که با آن اشعار و مطالب خود را می نگاشتند.

در مورد پیدایش خط عربی چند نظریه وجود دارد که مهمترین آن ها بشرح زیر است:

الف = برخی معتقدند که خط عربی از یمن و در زمان حکومت «حمیری» به شبه جزیره آمده و با توجه به سلطه سیاسی این حکومت در قرن اول و دوم میلادی این خط در میان اعراب رواج پیدا کرده است.

«ابن خلدون» از طرفداران این نظریه

می باشد «بلاذری» صاحب (فتوح البلدان) می گوید: گروهی از قبیله «طی» خط عربی را بنا استفاده از خط «سریانی» و «حمیری» تکمیل کرده اند، که البته این نظریه به دلایل گوناگون پذیرفته نشده است که شرح آن در این مختصر نمی گنجد، لکن اختلاف فاحش بین حروف خط «حمیری» و «سریانی» با «عربی» و نیز عدم ارتباط بین نوع حروف و نوشتن از راست به چپ در عربی یکی از دلایل روشن در رد نظریه فوق می باشد.

ب = کسانی که معتقدند خط عربی از خط «نبطی» گرفته شده که خط نبطی خود مأخوذ از مشتقات خط «آرامی» اقتباس گردیده است و توضیح مختصر این نظریه به شرح زیر می باشد: ارتباط بین اعراب ساکن شمال و جنوب شبه جزیره باعث تشکیل قدیمیترین دولت عربی در عربستان جنوبی گردید که به دولت «انباط» معروف بوده و دائره وسعت این حکومت بین منطقه ای واقع در شبه جزیره عربستان و صحرای سینا و فلسطین ادامه داشته است که پایتخت آن شهر «پترا» بوده که اکنون در شرق اردن واقع است و «وادی موسی» نامیده میشود شهر «پترا» با بقایای بسیاری از قصور، مقابر در دل کوهها و قطعه های بزرگ از صخره ها که اکنون قسمتهائی از آن بیادگار مانده در قرن چهارم قبل از میلاد، مرکز پر رونق تجارت و اقتصاد و برخورد مردم و در نتیجه محل تلاقی فرهنگها، علوم و هنرها بوده است.

در سال ۱۰۵ میلادی این دولت توسط امپراطور «تراژان» سقوط کرد و سرزمین آن جزء

امپراطوری روم گردید خطوط باقیمانده بر روی مقابر و دیواره کاخهای این امپراطوری دقیقاً مشخص می نماید که ریشه خط عربی از این خط می باشد. شکل (۵) و (۶) و (۷)

قدیمیترین نقش باقیمانده از خط «نبطی»، نقش معروف «ام جمال» متعلق به سال ۲۵۰ میلادی است که در جنوب شرقی دمشق هنوز بر جای مانده است. شکل (۱)

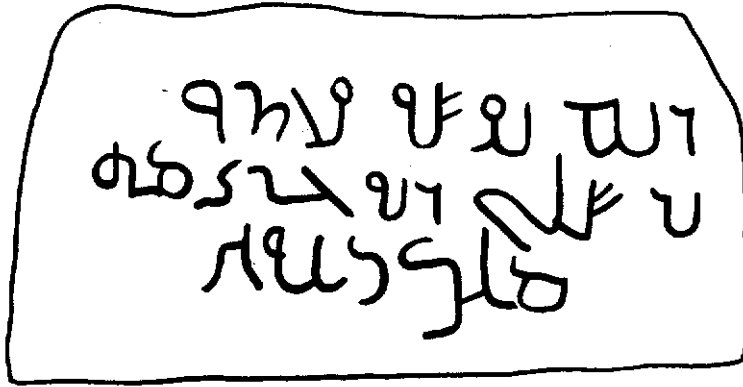
یکی دیگر از نقش های معروف باقیمانده نقش «النماره» است که سنگ قبر یکی از پادشاهان «حمیر» بنام «امرء القیس» می باشد که این نقش نزدیکی بسیاری به خط عربی دارد و در «حران» واقع در کشور سوریه پیدا شده و تاریخ آن متعلق به سال ۳۲۸ میلادی می باشد. شکل (۲)

دو نقش دیگر باقیمانده که معروفیتی بسیار دارند، نقش «زید» متعلق به سال ۵۱۱ و ۵۱۲ میلادی است که به خط سریانی و نبطی نوشته شده است. شکل (۳)

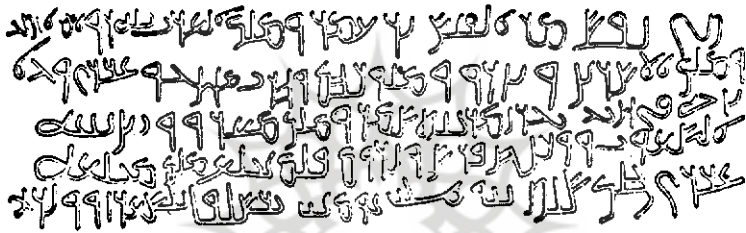
«نقش حران» که متعلق به سال ۵۶۸ و ۵۶۹ می باشد روی یک قطعه سنگ بر سر در کلیسائی در منطقه شمال کوه «دروز» پیدا شده است که به خط عربی و یونانی می باشد. شکل (۴)

این خط نشانگر ریشه خط عربی از خط نبطی است از نمونه های این خط در حفاریهای انجام شده در جنوب عربستان بر روی انواع مجسمه های فلزی و سنگی بدست آمده که عبارتهای مختلفی را به این زبان که زبان رائج در عربستان جنوبی می بوده نگاشته شده است.

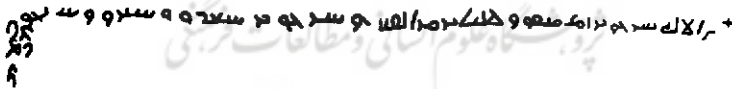
تفکیک حروف خطوط و نقشهای موجود، و ویژگیهای حروف عربی را بخوبی نشان میدهد.



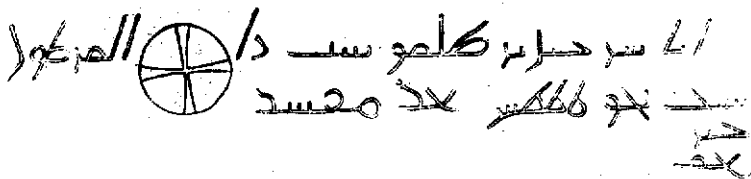
شکل (۱): نقش ام جمال به زبان نبطی - آرامی



شکل (۲): نقش النماره -



شکل (۳): نقش زبد



شکل (۴): نقش حران - کوه دروز -

شکل (۵): نقش‌هایی به خط عربی، قلمی بدست آمده در جنوب عربستان.





شکل (۶): نقش هانی به خط عربی قدیم بدست آمده در جنوب
عربستان



شکل (۷): نقش هانی به خط عربی قدیم بدست آمده در جنوب
عربستان

اما در آینده خواهیم گفت که با وجود این خط در میان اعراب ظهور اسلام خود باعث تغییراتی در این خط گردیده و خط عربی اسلامی با همه خصائص ارزشمند خود در اسلام تولد یافته و همچنان پایدار و موفق باقیمانده است.

خط عربی در فجر اسلام

همانگونه که بیان شد خط «نبطی» در اسلام تغییراتی پیدا نمود و بصورت مستقلی درآمد که دارای شخصیت اسلامی گردید. ابن ندیم در «فهرست» خود به دو خط موجود در «مکه و مدینه» اشاره میکند و لکن نمونه‌هایی از این دو خط در دست نیست و در هر حال بگفته مورخین در عهد پیامبر و در صدر اسلام رواج داشته است و حتی در آثاری که به پیامبر (ص) نسبت داده شده است از قبیل نامه‌هایی که آن حضرت به ملوک و رؤسای قبائل می‌فرستادند که از آن جمله نامه آن حضرت را به (منذر بن ساوی) می‌توان نام برد شکل (۱۷)

لکن بنا به گفته بعضی این احتمال نیز وجود دارد که نوشته‌های خطی باقیمانده از روی سند اصلی نگاشته شده باشد که نمونه خطی آن دوران است.

دهه اول و دوم هجری نشان میدهد که خط در آن چند سال نزدیک به خط «نسخ» بوده است.

نوشته‌های خطی باقیمانده که تا کنون قدمت آنها مورد اثبات پژوهشگران و باستانشناسان قرار گرفته است عبارت است از:

الف = کاغذهای معروف به «اوراق بردی» که عمدتاً در مصر پیدا شده است، این کاغذها را

از گیاهی به نام «پاپیروس» که شباهت به نی دارد می‌ساختند و این صنعت که سابقه چند هزار ساله از دوران فراعنه و تمدن باستانی مصر دارد نسل به نسل به اقوام بعد منتقل شده و ساخت و مصرف کاغذ ساخته شده بطریقه فوق تا قرن دوم هجری در مصر رائج بوده است.

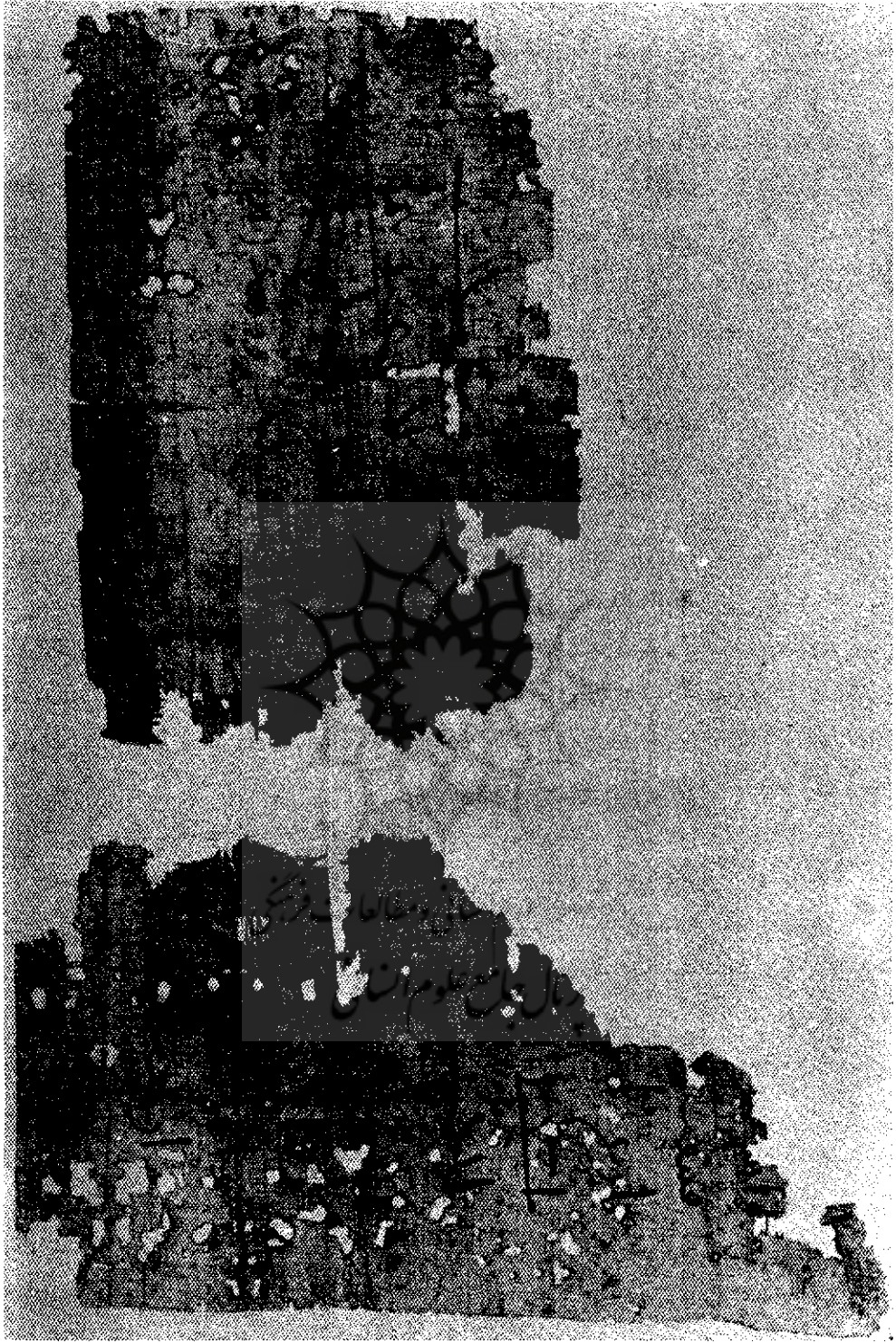
نمونه‌هایی از این اوراق توسط کتابخانه ملی مصر معرفی شده است و بعضی از اوراق نیز در موزه نیویورک نگاهداری میشود (شکل) این اوراق ظاهراً قدیمیترین آثار مکتوب در قرن اول هجری است.

با توجه به ذکر کلمه «قرطاس» و «قراطیس» در قرآن کریم استبعادی ندارد که این نوع کاغذها (پاپیروس، پوست آهو و...) وجود داشته است و قرآن مجید و فرامین و نامه‌های پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین و حکام را به روی آن می‌نوشتند که اینها بصورتی بوده که بعنوان کاغذ می‌توانستند مورد استفاده قرار گیرند.

و نیز استخوانهایی که سطح مناسبی برای نوشتن داشته است همچون استخوان کتف گوسفند، استخوان پشت شتر و یا از جنس‌های دیگر نظیر «جرید» از درخت خرما و سنگهای نازک صاف و غیره برای نوشتن بکار گرفته میشد.

اما متأسفانه از این نوع نوشته‌ها بر روی اجناس فوق (غیر از اوراق بردی) نمونه‌های بسیار کمی باقی مانده است.^۳

۲- خط اوراق بردی تقریباً شباهت به خطی که اکنون آنرا بنام خط «نسخ» می‌شناسیم، دارد



شکل (۸): یک ورق باپيروس - موزه مترو پولىتن نیویورک

این نوع خط شبیه به نسخ را «نسخ قدیم» یا خط «نسخ کهن» می‌نامیم. شکل (۸) و (۹)

اما با توجه به اینکه «کوفه» در سال ۱۷ هجری و در عهد عمر بن الخطاب بنیان گذاشته شده و در زمان علی ابن ابی طالب (ع) بعنوان پایتخت حکومت اسلامی رونق و شکوفائی علمی، فرهنگی و اقتصادی یافته بود و از اینجهت که امام علیه السلام تأکید و توجه خاصی به خط و نوشتن داشت و خود از کتاب وحی به شمار میرفت و کوفه با سابقه حضور با سوادهایی در شهر انبار و دیگر شهرهای نزدیک به کوفه خصوصیت و نوع خاصی به خود گرفت که بعدها کیفیت نوشتن این خط را «خط کوفی» نام نهادند این خط در ابتدا «اعجام» (نقطه گذاری) نداشت تا آنکه توسط یکی از اصحاب حضرت علی (ع) بنام «ابوالاسود الدؤلی» (متوفی سال ۶۹ هجری) در سال ۶۷ هجری نقطه گذاری طرح گردید و البته نقطه گذاری در طی مراحل بی‌وجود آمد که سرانجام در زمان (ابوالعباس سفاح عباسی) کامل گردید.

آنچه که مهم است اینست که دو خط «نسخ» و «کوفی» پا به پا و در کنار هم رشد کرده‌اند و خط نسخ در بخشی از سرزمینهای اسلامی مانند مصر و خط کوفی در بعضی نقاط دیگر رواج داشته است لکن همواره تأثیرپذیری این دو خط متقابل بوده است.

ب: سنگ نبشته‌ها:

خوشبختانه سنگ نبشته‌های روشنی از قرن اول و دوم به بعد باقیمانده است که سندهای دقیق و مشخصی از نوع خطوط رایج در آن زمان را

مشخص می‌نماید این سنگ نبشته‌ها عبارتند از:

۱- نوشته‌های یادگاری و یا تاریخی جهت ساختمان بناء

۲- سنگ قبر

۳- علائم راهها و طرق

قدیمیترین سنگ نبشته‌های موجود متعلق است به دوره خلفای راشدین که بر روی صخره‌ای در کوه «سلح» در مدینه منوره حفاری یا «نقر» شده است شکل (۱۰) و (۱۱)

و بعضی از مطالب باقیمانده آن عبارتست از:

الف: امسی واصبح عصر

و ابوبکر پیتر...

الی الله فی کل

ب: اشهد ان... لا...

اشهد ان محمد عبد

برحمتک یا الله لا اله الا

علیه توکلت و هو رب

العرش العظيم

ج: در این قسمت اسامی کسانی که نام آنها نوشته شده وجود دارد مانند: شماره - میمون - سلیمان الاصرم عقل الجهتی وغیره.

یکی از قدیمیترین سنگ نبشته‌ها «شاهد قبر» عبدالرحمن الحجری است که دارای تاریخ جمادی الآخر سال ۳۱ هجری می‌باشد.

این سنگ در «اسوان» مصر پیدا شده و اینک در موزه هنر اسلامی قاهره نگهداری میشود و به دلیل وجود تاریخ مکتوب، بعد از خط «بودی» سال ۲۲- قدیمیترین سند خطی از صدر اسلام به حساب می‌آید که به صورت قطعه سنگی به مساحت ۷۱×۳۸ سانتیمتر مربع می‌باشد

شکل (۱۲) و (۱۶)

بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر
لعبد الرحمن بن خیر (حبیر؟ - جبار؟)
الحجری. اللهم اغفر له
وادخله فی رحمة منک... معہ
استغفر الله اذا قرأت هذا الكتاب
وقل آمین وکتب هذا

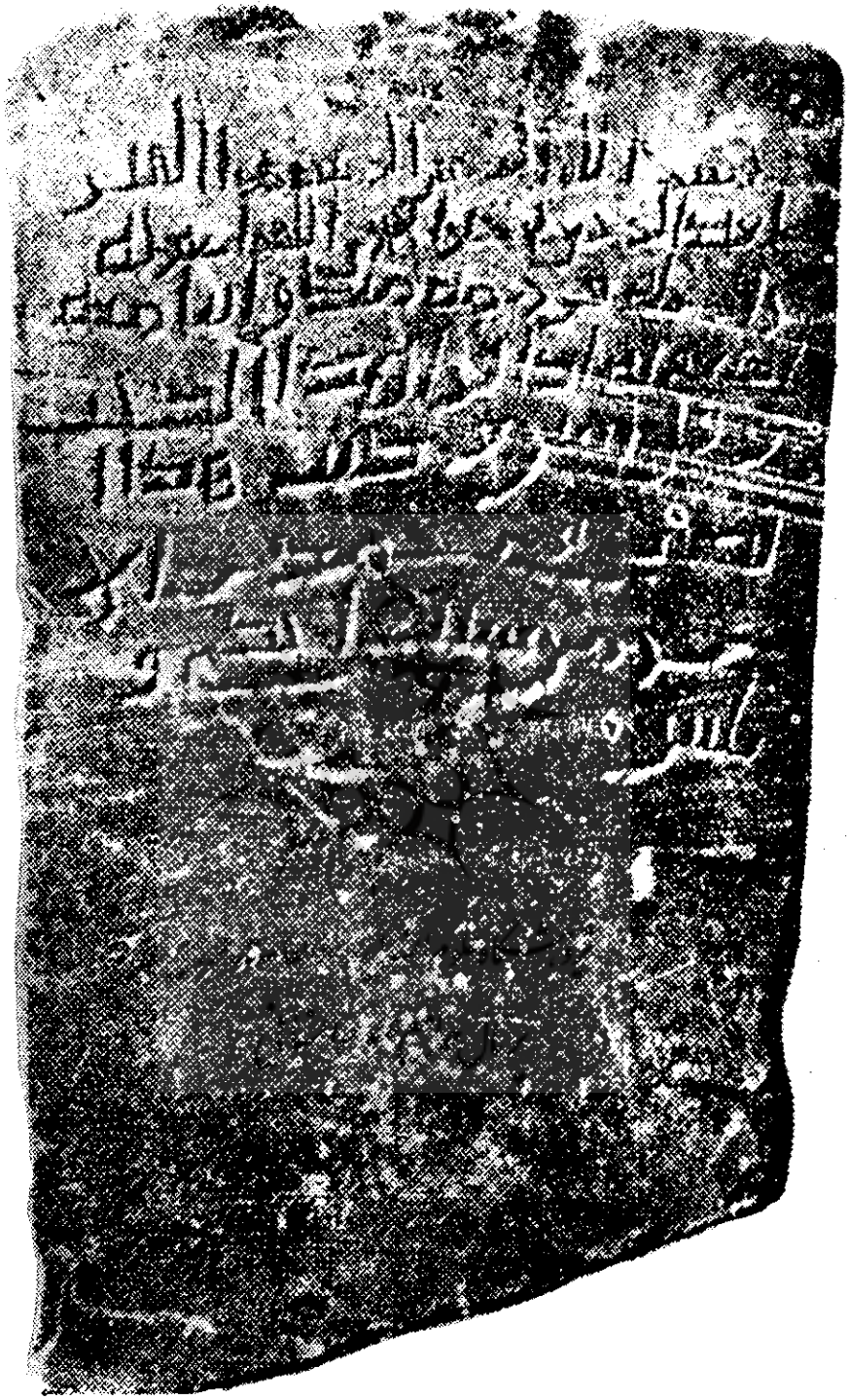
للكتاب (کتب) فی جمادی (جمدی) الا
خرمن (سنت) سنة احدى وثلاثین (ثلثین)
تحلیل حروف این سنگ نبشته بقرار شکل
می باشد که نوع حروف و سطور و چگونگی
ارتباط آن نیاز به بحث بیشتری دارد.
نقش های باقیمانده از قرن اول اسلام عبارتند
از:

۱- نقش سد طائف، دارای تاریخ سال ۵۸
هجری که در ۲ کیلومتری شرق شهر طائف در
شبه جزیره عربستان پیدا شده است این خط بدون
هیچگونه ترتیبی در روی سنگ کنده شده است
از خصوصیات متن این سنگ نبشته اینست که
مشخص می کنند این سد در دوره عبدالله ابن
معاویه بن ابی سفیان توسط عبد بن صخر ساخته شده
و اسم کاتب و خطاط آنها بنام «عمر بن
خباب» در پایان آن آمده است. شکل (۱۳)

۲- سنگ نبشته هائی که جهت علامات
بین راهها و جاده بکار برده میشده که قدیمیترین
آنها مربوط است به دوره عبدالملک بن مروان
(۶۵-۸۶ هجری) و یکی از این علامات که در
جاده قدیم بین شام و قدس پیدا شده نشان میدهد



نقش سنگی قدیم (۱۱) کل



شكل (١٢): شاهد قبر عبدالرحمن - سال ٣١ هجرى

هَكَذَا السُّبُّ لِسَبِّ اللَّهِ مَعْرُوبُهُ
أَمْرٌ أَلْمَوْسُ بْنُ بِنْتِ عَدِ اللَّهِ رَطْرَطُ
أَكْرَبُ اللَّهِ لِسَبِّهِ نَمْرٌ وَجَمْسِيْرٌ

المقدس که تاریخ سال ۷۲ هجری را داردمستن
این نوشته عبارتست از:

بنی هذه القبه عبدالله عبد
الله الامام المأمون امير المؤمنين في
سنة الاثنین وسبعین تقبل الله منه

یعنی این گنبد را عبدالله عبدالله امام
مأمون امیرالمؤمنین در سال ۷۲ ساخت که خدا از

که فاصله بین «ایلیا» تا محل (۵) میل بوده و
اینکه این جاده به دستور عبدالملک ساخته شده
است.

تعدادی از این سنگ نبشته ها تاکنون به
دست آمده است شکل (۱۴)

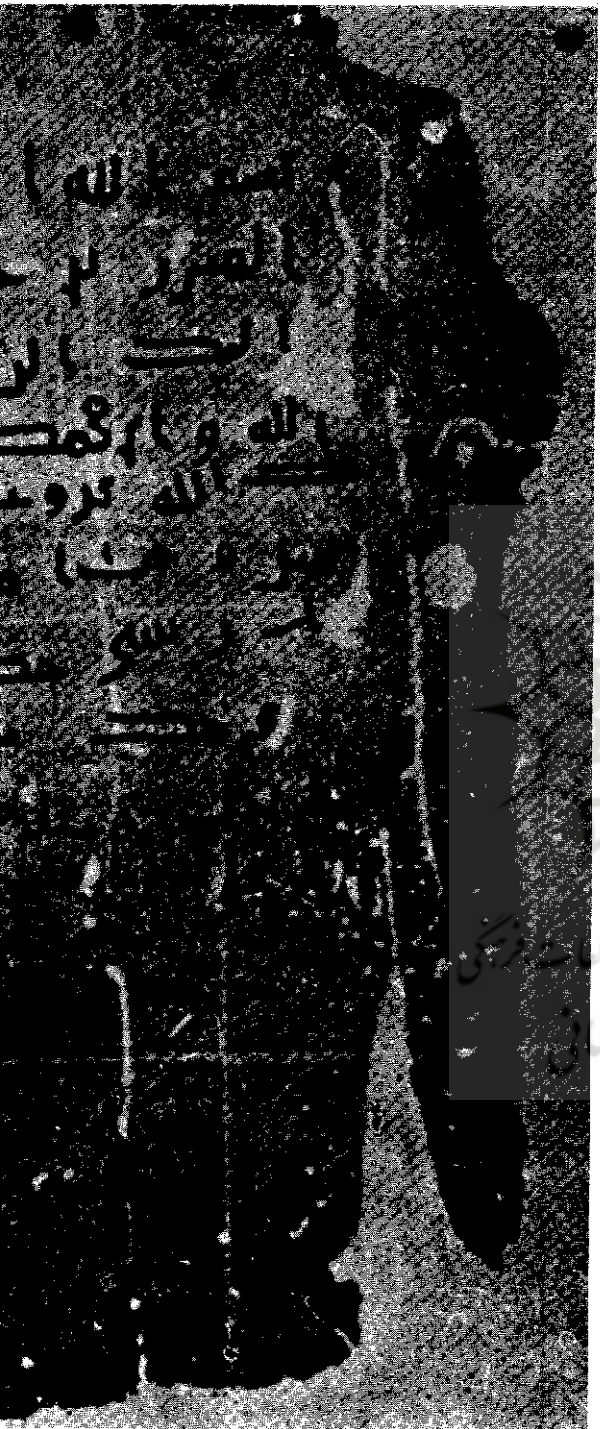
۳- نقش هائی که روی بعضی از بناها
باقیمانده از جمله کتیبه «قبة الصخرة» در بیت



شکل (۱۴): علامت بین راه

شکل (۱۵): نقاشی شده از روی خطوط کتیبه کهنه مشهور

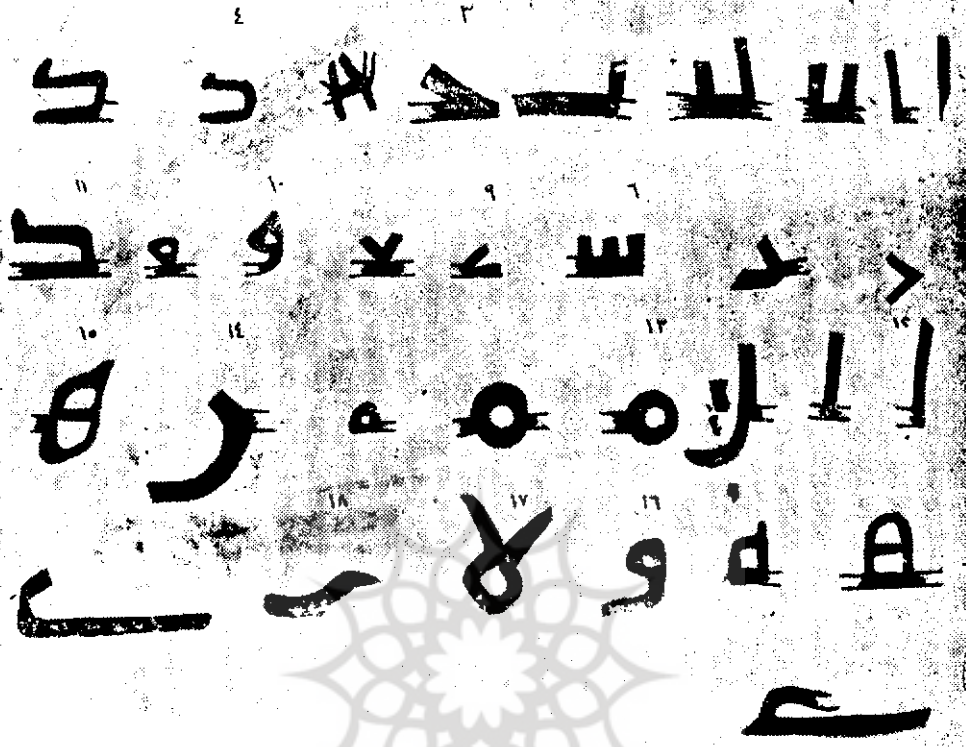
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





شکل (۱۷): نامه منسوب به پیامبر اکرم خطاب به منقر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



شکل (۱۶): چگونگی العیای خط شاهد قبر عبدالرحمن الحجری

عبدالملک (۱۰۵-۲۵ هجری است)

اوقبول نماید. (شکل ۱۵)

هـ خطوط روی مسکوکات اسلامی متعلق به دوره عبدالملک مروان که در پیرامون آن در شماره سوم فصلنامه هنر مطالبی ذکر گردیده است.
د- قرآن مجید

با در نظر گرفتن این مطلب که سال ۷۲ هجری مصادف است با عهد عبدالملک مروان خلیفه اموی و در محل دیگر همین گنبد تاریخ تعمیر در عهد مأمون آمده است که سال ۲۱۶ هجری را داراست و تکرار عبدالله مشخص می نماید که در عهد مأمون خطاط اسم عبدالملک را برداشته و اسم مأمون را جایگزین نموده است.

با توجه به اهمیت مسلمانان در جهت نگهداری قرآن و حفظ کلام الله مجید قرآنها را بسیاری به خط نسخ قدیم و بیشتر بخط کوفی باقیمانده است^۴ که مطالعه و تحقیق و تدقیق تاریخ آنها نیاز به کار گسترده و نوشته طولانی دارد و به یاری خداوند در آینده نگاشته خواهد شد.

۴- نقش مقیاس آب «رودنیل» در مصر متعلق است به سال ۹۷ هجری و کتیبه بدست آمده در کاخ عمر در شرق اردن و در کاخ «خریبه المفخر» در اردن متعلق به دوره هشام ابن

- I: Islamic calligraphy- sakadi - 1979.
- 2: MOHAMMED- Orlandi _ 1965.
- 3: MECCA AND MADINAH -ESIN - 1963.
- 4: ART OF ISLAM- NEW YORK - 1987.

۵ ناجی زین الدین - خط

۶- ابن ندیم - فهرست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱- خط رائج در ایران قبل از اسلام بنابه گفته ابن ندیم چند نوع بوده است، از جمله خط رائج بین مردم و خطی که با آن «اوستا» را می نوشتند و خط دین دبیره و غیره.
- ۲- چند مجموعه از این نوع اوراق تاکنون منتشر شده است از جمله مجموعه دارالکتب مصریه مجموعه «رینر» در طرایش و هفت جلد مجموعه «دکتر کروهمن» تحت عنوان عربیک پایپروس که قدیمیترین آنها، تاریخ سال ۲۲ هجری را داراست.
- ۳- آنچه که بنام وثائق نبوی (ص) همچون نامه پیامبر (ص) به منذر و غیره و با قرآن های مربوط به آن دوره عموماً منسوب به آن دوره می باشد اما ذکر این نکته ضروری است که این وثائق غالباً پاکتویس شده و سعی گردیده که عیناً از نسخه اصلی اقتباس شود لذا نمودار خط آن دوره می باشد، بعضی از دانشمندان هم معتقدند که نامه پیامبر (ص) به منذر «اصل» می باشد. والله اعلم
- ۴- در صدر اسلام برای حفظ و صیانت کتاب مقدس آسمانی مسلمانان از دو وسیله استفاده میشد. یکی حافظه مردم و دیگری کتابت و نگارش آن، و طبق مطالعات محققان اسلامی و گروهی از خاورشناسان شمار نویسندهگان وحی به ۴۳ یا ۴۵ نفر میرسید که در زمان پیامبر به کتابت وحی اشتغال داشته اند